

موقعیت منطقه‌ای ترکیه و تأثیر آن بر رویکرد امنیتی ایران

با سخنرانی دکتر جعفر حق‌پناه*

اشاره:

در میان همسایگان پرشمار جمهوری اسلامی ایران، ترکیه از بیشترین چسبندگی با منافع و امنیت ملی کشورمان در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی برخوردار است. صرف‌نظر از ملاحظات مربوط به مناسبات دوجانبه، ترکیه در سطح منطقه‌ای نیز از بازیگران پرنفوذ و مؤثری به شمار می‌آید که نقش آفرینی آن به ویژه در حوزه خاورمیانه با منافع و امنیت منطقه‌ای ایران تلاقی یافته است. افزایش حضور و نفوذ ترکیه در خاورمیانه در موضوعات مختلف، در رقابت و چالش با ایران قرار گرفته است، به گونه‌ای که روابط حسن هم‌جواری طولانی‌مدت میان دو دولت نیز تحت‌الشعاع آن قرار دارد. نظر به اهمیت شناخت نقش و نفوذ منطقه‌ای ترکیه و تأثیر آن بر رویکرد امنیتی ایران، نشست تخصصی این شماره ماه‌نگار دیده‌بان امنیت ملی به این موضوع اختصاص یافته است. دکتر جعفر حق‌پناه، استادیار مدعو مطالعات منطقه‌ای دانشگاه تهران طی نشستی با کارشناسان پژوهشکده ابعاد و جوانب این موضوع را به شرح زیر مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است.

مقدمه

نظام جهانی یعنی آمریکا است، هنجارها و قواعد یک نظام بین‌الملل را می‌پذیرد و در آن چارچوب نقش آفرینی می‌کند در حالی که بازیگر تجدیدنظرطلب و مخالف با ساختار و قواعد نظام بین‌الملل نیست. این مسئله برای ترکیه موجد فرصتی است که بتواند نقش آفرینی مضاعفی داشته باشد و هیچ‌یک از قدرت‌های هم‌جوار از این جهت انطباق کامل با چارچوب‌های امنیتی غرب پایه را ندارند. نکته دیگری که باید به آن توجه شود، قابلیت‌های درونی ترکیه برای تبدیل به یک قدرت مرکزی در منطقه است. ترکیه در حال حاضر اقتصاد برتر است و جزو گروه ۲۰ محسوب می‌شود، با رشد شتابان اقتصادی که برای یک دهه بالای ۸ درصد بوده است. در حالی که اغلب کشورهای منطقه و جهان ادواری از بحران اقتصادی را پشت سر می‌گذاشتند، حتی در بدترین شرایط یعنی

برای تحلیل چشم‌انداز تحولات منطقه‌ای و نقش ترکیه بر ترتیبات امنیت منطقه‌ای اشاره به دو گزاره مقدماتی ضروری است.

نخست تلقی از ترکیه به مثابه قدرت مرکزی و دیگری لزوم توجه به فرهنگ استراتژیک ترکیه. معمولاً در نظریه‌های مطالعات منطقه‌ای دولت‌هایی مانند ایران یا ترکیه که در مجاورت خرده‌نظام‌های دیگر بوده و قادر به بازیگری در چند خرده‌نظام هستند را «قدرت‌های مرکزی» می‌نامند. ترکیه یک قدرت مرکزی در مجاورت با خرده‌نظام‌های شمال خاورمیانه، قفقاز، دریای سیاه و حوزه بالکان است که توان نقش آفرینی در این خرده‌نظام‌ها را دارد. در میان دولت‌های هم‌جوار و همسایه ایران، ترکیه تنها دولتی است که مرتبط و متحد و مؤتلف با مرکز قدرت

* استادیار مدعو مطالعات منطقه‌ای دانشگاه تهران

رویکرد خاورمیانه‌ای

با این مقدمات به بحث چشم‌انداز و موقعیت منطقه‌ای ترکیه می‌پردازم. در مقدمه به این نتیجه رسیدیم که ترکیه در قفقاز، بالکان و منطقه شمال خاورمیانه بازیگر فعالی است و از این جهت لازم است رابطه ترکیه را با این کشورها مرور کنیم:

تنش با روسیه

بعد از اینکه به تدریج مداخلات روسیه در سوریه به گونه‌ای سرنوشت‌ساز تغییر یافت و موازنه تغییر کرد، تنش میان روسیه و ترکیه بالا گرفت. در مهر ماه و بعد از نقض حریم هوایی ترکیه، مقامات آنکارا به ناتو شکایت کردند. نقطه عطف، سقوط هواپیمای سوخو بود که چون توافقاتی درباره این گونه عملیات‌ها میان دو طرف انجام شده بود روس‌ها بسیار ناراحت شدند و لفظ «خیانت» را به کار بردند. اقدامات تنبیهی سیاسی و اقتصادی قابل توجهی که روس‌ها درباره ترکیه به کار بردند، به سرعت ترکیه را به انفعال کشاند. اما تحلیل اغلب کارشناسان این است که قرار نیست تنش در این حد بماند و حتماً در سال ۲۰۱۶ یک دوره‌ای از تنش‌زدایی بین این دو خواهیم داشت و چنانچه مسئله سوریه به جای تصاعد بحران، به شکلی تخفیف بحران پیدا کند، حتماً دور بهبود روابط بسیار سریع‌تر خواهد بود. ضمن اینکه در حوزه قفقاز دو طرف تقریباً روابطشان را تعریف کرده‌اند، یعنی محدوده‌های رقابت همکاری دو طرف در حوزه قفقاز تقریباً مشخص است و سال‌هاست که هیچ تنش‌ی بین آنها وجود ندارد.

تلاطم در روابط اتحادیه اروپا

اتحادیه اروپا یکی از بازیگران مهمی است که برای ترکیه مهم است و نقش آفرینی منطقه‌ای‌اش را تعریف می‌کند. پس از یک دوره تقریباً ۸-۷ ساله که مذاکرات اتحادیه اروپا و ترکیه بر سر عضویت در این اتحادیه متوقف شده بود، از آذر ۲۰۱۵، مجدداً مذاکرات آغاز شد. اما برای اروپا امروز بحث آوارگان بسیار مهم‌تر است. ترکیه سعی می‌کند که از کارت آوارگان استفاده ابزاری کند؛ دویلمیون و دویست هزار آواره سوری و برخی کشورهای

سال‌های ۲۰۱۴ و ۲۰۱۵ رشد اقتصادی ترکیه از ۴ درصد پایین‌تر نیامد که این مسئله قابل توجه است. مجموعه این عوامل باعث شده است که امروز ترکیه یک قدرت مرکزی باشد و سعی می‌کند قدرت خود را افزایش دهد. سیاست ترکیه این است که تا سال ۲۰۲۳ یعنی صدمین سال تأسیس ترکیه جدید، به عنوان یکی از ده قدرت برتر اقتصادی دنیا و هاب انرژی جهان شناخته شود. در خصوص فرهنگ استراتژیک ترکیه هم می‌توان گفت که بر این کشور یک فرهنگ تعادل‌گرا، کمتر ایدئولوژیک سوداگر، محافظه‌کار و سودگرا غلبه دارد که میل به اعتدال و تعادل می‌یابد.

نکته مهم مرتبط با بحث ما این است که اصولاً فرهنگ استراتژی ترکیه در دوران صلح پرورده شده است. از سال ۱۹۲۳ به بعد که ترکیه مستقل شد و دولت جدیدی شکل گرفت، چنانچه گفته شد جنگی نداشته است. معمولاً دولت‌هایی که درگیر جنگ نبوده‌اند، فرهنگ استراتژیک و دکترین امنیت ملی متفاوتی دارند و به نوعی ایده‌های توسعه‌گرایی و صلح‌طلبی و منع مداخله در آنها پررنگ‌تر می‌شود.

عامل دیگری که به تکوین چنین ادراکی کمک کرد و جزو فرهنگ استراتژیک ترکیه محسوب می‌شود، غرب‌پایگی ستون‌های امنیت‌سازی ترکیه است. ترکیه بعد از پیمان سعدآباد تا جنگ جهانی دوم و الحاق به پیمان ناتو و حتی پس از جنگ سرد به عنوان نماینده غرب و ناتو در منطقه عمل کرده و از این جهت آسودگی خاطر امنیتی داشته است. نکته مهم دیگر فرهنگ استراتژیک ترکیه؛ دغدغه تجزیه و بقا و امنیت داخلی است، برای ترک‌ها تهدید اصلی معطوف به بقا و ساختار سیاسی ترکیه، نه از ناحیه حمله خارجی بلکه از ناحیه تجزیه‌طلبی داخلی است. این مسئله به نوعی باعث شده است که سیاست داخلی و خارجی ترکیه تقریباً با یکدیگر تداخل شگرفی داشته باشد، مسئله کردی برای ترکیه مشخص نیست که چقدر بُعد داخلی و چقدر بُعد خارجی دارد. مسئله علویان نیز اینگونه است و بسیاری از موضوعات مشخص نیست که به کدام حوزه سیاست داخلی یا سیاست خارجی ترکیه مربوط است.



دیگر در ترکیه ساکن هستند و ترکیه سعی کرد این مسئله را به بحران امنیتی اروپا تبدیل کند تا به شکلی اتحادیه به ترکیه نیازمند باشد. این بحران برای ترکیه حداقل این منفعت را به همراه داشت که ترکیه حدود ۳ میلیارد دلار از اروپا کمک اقتصادی به همراه امتیاز در تسهیل تردد اتباع ترک به محدوده پیمان شنکن دریافت کرد. البته مشکلات در این حوزه همچنان به قوت خودش باقی است و بعید است سال بعد اتفاق ویژه‌ای رخ بدهد. از این رو به نظر می‌رسد نگرانی‌هایی که در اروپا نسبت به جریان‌های اسلام‌گرا به وجود آمده و مسئله اسلام‌هراسی در اروپا دامن‌گیر ترکیه نیز خواهد شد.

گسترش روابط با اسرائیل

درباره اسرائیل، نکته قابل توجه این است که مذاکرات پنهانی که برای تلطیف فضا و آغاز تدریجی روابط بود از جانب اسرائیلی‌ها علنی شد. توافقاتی برای احیای روابط صورت گرفته است. هر قدر که تنش فلسطین کمتر شود برای ترکیه موقعیت مناسب‌تری است که روابط خود را با اسرائیل عادی کند و در حال حاضر که برخی کشورهای عربی در حال تنش‌زدایی با اسرائیل هستند، توجه اخلاقی بیشتری برای ترکیه هست که روابط خود را با رژیم صهیونیستی گسترش دهد.

بهبود مناسبات با عربستان سعودی

درباره عربستان باید به نکات قابل توجهی اشاره کنیم؛ در سال ۲۰۱۵ اردوغان سه بار به ریاض سفر کرد. البته ترکیه نگاه دست‌بالایی به عربستان دارد و عربستان را حداکثر یکی از آن استان‌های امپراتوری عثمانی می‌داند که از نظر گفتمانی هیچ حرفی ندارد و از این بابت آن را رقیب خود نمی‌داند. مسئله برای ترکیه و عربستان رقابت در درون بلوک سنی نیست و از آن جهت او را هم‌اورد خود نمی‌داند. اما به طور کلی آنها با یکدیگر همجنس نیستند. علاوه بر فرهنگ استراتژیک، از لحاظ رویکردها و سنت سیاست خارجی کاملاً با هم متفاوتند ولی بنابر منطق گفته شده، ترکیه که بسیار سودانگاران به سیاست خارجی خود می‌نگرد، زمان حاضر را موقعیت مناسبی یافته تا برای

تجدید موازنه‌های منطقه‌ای به خصوص در برابر ایران از اعتبار عربستان استفاده کند. آنها تا حدی پیش‌رفته‌اند که ترکیه عضویت در ائتلاف بین‌المللی اسلامی مبارزه با تروریست به رهبری عربستان را پذیرفت و این بسیار معنادار است. در حال حاضر به صورت تاکتیکی همکاری آنها رو به گسترش است و نقطه ثقل آن می‌تواند بحث‌های سوریه، عراق و حوزه‌ها و موضوعات دیگر باشد.

تداوم چالش با عراق

درباره عراق، عنوان تداوم رقابت و مداخله‌گرایی قابل توجه است؛ ترکیه با عراق فعلی، قطعاً نمی‌تواند رابطه دوستانه‌ای برقرار کند و به کرات ابراز کرده‌اند که ایران در آنجا نفوذ دارد و محور بسط قدرت منطقه‌ای ایران در خاورمیانه، امروز عراق است و همین کافی است که با هر ترتیبات سیاسی که به این شکل در عراق باشد، مخالفت کنند و عملاً همین امر را مشاهده می‌کنیم؛ هنوز ترکیه ارتباطات دوستانه خود را با جناح‌های عربی-سنی-ترکمانی و کردی و بخش‌هایی از شیعیان حفظ کرده است. رابطه‌اش با دولت حیدر عبادی به‌رغم پیش‌بینی‌های اولیه، بهتر نشده است و در قضیه حضور یک‌گردان نظامی زرهی ترکیه در اردوگاه بعشقیه، که کار به شکایت عراق از ترکیه به سازمان ملل رسید، تاکنون همه نیروهای خود را خارج نکرده است.

علاوه بر این موارد، رابطه ویژه‌ای که ترکیه با حکومت اقلیم کردستان دارد باعث می‌شود عملاً واگرایی‌اش با بغداد بیشتر شود. ما در آذرماه شاهد سفر مسعود بارزانی و نچيروان بارزانی به آنکارا بودیم. حکومت اقلیم سیاست خود را بر مدار همکاری استراتژیک با ترکیه بسته است و این همکاری‌ها طبیعتاً ادامه خواهد داشت. با این وضعیت هر چقدر پیش‌برود مداخلات ترکیه در عراق همچنان به این شکل باقی خواهد بود.

اتحاد با حکومت اقلیم کردستان

درباره کردها نکته قابل توجه این است که اکنون همکاری‌ها با حکومت اقلیم کردستان بیشتر جنبه امنیتی و



سیاسی دارد. به دلیل کاهش درآمد نفت و توقف بخشی از صادرات نفت از کردستان عراق به خارج به شدت وضعیت اقتصادی حکومت اقلیم کردستان نابسامان است. آنها حتی توان پرداخت حقوق کارمندان را ندارند، بنابراین بسیاری از پروژه‌های عمرانی که در شهرهای اربیل و سلیمانیه و دهوک بود و پیمانکارانش تقریباً همه ترکیه‌ای بودند، کاملاً متوقف شده است. ولی موضوع مهم ادامه همکاری‌های سیاسی-امنیتی است که به نظر می‌آید کمافی‌سابق ادامه خواهد داشت. ترکیه از کردستان عراق برای مهار دولت مرکزی عراق و موازنه‌سازی با ایران و مانع شدن از نزدیک شدن حکومت اقلیم به ایران و مهار پ.ک.ک در داخل و مهار جریان‌های کردی سوریه استفاده می‌کند. این همکاری‌ها همچنان ادامه خواهد داشت و بر نگاه کردها به جمهوری اسلامی نیز تأثیرگذار خواهد بود. در مجموع در سال آینده، رقابت منطقه‌ای بین ایران و ترکیه دست کم در حد فعلی خود باقی خواهد ماند و آنجاهایی که قرار است تعیین تکلیف شود، رقابت خیلی مشخص‌تر و عملیاتی‌تر و ریزتر می‌شود، البته این رقابت جنبه تخصصی مانند رقابت ایران و عربستان پیدا نخواهد کرد. به عنوان مثال عربستان مخالف حضور ایران در اجلاس وین برای مدیریت بحران سوریه بود ولی ترکیه موافق این امر بود. این تفاوت را باید مبنا قرار داد. اما هر قدر داعش در عراق بیشتر سرکوب شود و دولت قوی‌تر شود این امر باعث می‌شود که رقابت ایران و ترکیه حادث‌تر شود. اگر در موضوع سوریه فرآیند به سمتی پیش رود که مطلوبیت‌های ایران و محور مقاومت بیشتر تأمین شود، قطعاً جنبه‌های رقابتی پررنگ‌تر خواهد شد.

اگر تنش بین ایران و عربستان نهایتاً به گونه‌ای ختم شود که عربستان بیشتر بازنده باشد به نظر من اثر منفی بر روابط منطقه‌ای ایران و ترکیه خواهد داشت. اما نکته این است که در کل ترکیه از تنش در منطقه استقبال نمی‌کند. آن منطقی که در ابتدا گفته شد و جزو فرهنگ استراتژیک ترکیه است باعث می‌شود که اینها خیلی از این فراتر نروند، چون ظرفیت ترکیه برای مداخله در مسائل منطقه‌ای به ویژه در خاورمیانه همین حدی است

که امروز مشاهده می‌کنیم و بیش از این توان ندارد و اگر بیشتر از این هزینه کند باید از توسعه و بخش‌های دیگر خود بکاهد و منتظر مشکلات و نارضایتی در داخل باشد؛ که نمونه‌اش را در انتخابات ۲۰۱۵ دیدیم که برای اولین بار سیادت و سلطه مطلق حزب عدالت و توسعه زیر سؤال رفت. ترکیه به ویژه برای برخی از فرآیندهای امنیت‌سازی در خاورمیانه مانند جنگ‌های نیابتی به هیچ‌وجه آمادگی ندارد و ساختارهای نظامی و اطلاعاتی و دستگاه سیاست خارجی‌اش متناسب برای مواجهه با این شرایط نیست. بمب‌گذاری‌های اخیر آسیب‌پذیری‌های امنیتی ترکیه را نشان می‌دهد، از ناحیه پویش‌های امنیتی در منطقه، ناامنی‌هایی که در منطقه است، می‌تواند بر ثبات سیاسی، اقتصادی و صنعت گردشگری ترکیه اثر منفی بگذارد. البته این مورد بعید است که ترکیه دست دوستی به سمت ایران دراز کند.

بحث و نظر

● باید به نکاتی در خصوص وضعیت ایران و ترکیه توجه کرد؛ یک نکته اینکه ما با رابطه ترکیه و اسرائیل مواجه هستیم؛ از این رو باید تأمل کرد که این مسئله تا چه حد می‌تواند در رابطه ما با ترکیه تأثیرگذار باشد؟ نکته دیگر اینکه در خصوص بحث شیعه و سنی قاعدتاً امروز مسئله ما تعریفی است که عربستان از شیعه و سنی ارائه می‌دهد، اما اگر در این میان بحث شیعه و سنی به ترکیه برسد و بحث شیعیان و علویانی که در داخل ترکیه حضور دارند، مطرح شود، این امر چه نقشی می‌تواند در روابط ما با ترکیه ایفا کند؟ یک عامل دیگر بسیار مهم رابطه ما با کشورهای غربی و کاهش تنش ما با آنها مخصوصاً پس از توافق هسته‌ای و برجام است. باید دید این موارد چگونه روابط ما را در بحث‌های ترکیه مدیریت می‌کند؟

● نکته‌ای که درباره سیاست منطقه‌ای ترکیه مطرح است، بیشتر نوعی ابهام استراتژیک را نشان می‌دهد، به این معنی که مشخص نیست رهبران این کشور در منطقه به دنبال چه هستند؟ اگر در رسانه‌ها مسائل ترکیه را پی‌گیری کنیم به



پاسخ‌ها

○ جمعیت علویان ترکیه قابل احصاء نیست چون در سرشماری‌ها عنصر مذهب و قومیت مطرح نمی‌شود. علویان چون در دوره عثمانی‌ها به شدت مورد سرکوب بودند هیچگاه اظهار علوی بودن نمی‌کنند و اساساً یک طبقه شهرنشینی هستند که تا همین اواخر به حساب نمی‌آمدند. نکته مهمتر این است که اساساً علویان یک جامعه کاملاً سکولار و مذهب‌گریز هستند؛ یعنی معتقدند که هر قدر میزان مذهب‌گرایی در ترکیه بالاتر برود به ضرر آنهاست، کما اینکه در همه کشورها که اقلیت شیعه دارند همین ادعا صادق است. هر چند اینها شیعه نیستند اما فرمولش یکسان است؛ لذا آنها همواره متحد و مؤتلف سکولارترین جریان ترکیه بودند و عمدتاً با «حزب جمهوری خلق» مؤتلف می‌شوند و به آنها رأی می‌دهند. آقای قلیچدار اوغلو نیز علوی است، منتهی می‌گوید من اهل درسیم (شهر علوی‌نشین) هستم. بنابراین هیچگاه از علویان توقع نداشته باشید که جنبش سیاسی قدرتمندی داشته باشند؛ در آینده نیز چنین پتانسیلی نخواهند داشت چون آنها ترجیح می‌دهند که در قالب یک جریان سیاسی بزرگتر سکولار تعریف شوند، در سوریه جماعتی وجود دارد که ترک‌ها به آنها نصیریه می‌گویند که همان علویان هستند و در همان منطقه لاذقیه و طرطوس و اطراف حمص هستند. این بحث در حوزه بحث‌های داخلی ترکیه بیشتر با مقوله کردی گره خورده است و به نوعی نیز به ایران مربوط می‌شود. در مورد ابهام استراتژیک؛ به نظر من بخشی از این موضوع به این مسئله برمی‌گردد که اساساً ترکیه برخلاف عربستان، سطح مسائل داخلی و منطقه‌ایش کاملاً در هم عجین شده است و مصداقش موضوع کردی است به همین دلیل به گونه‌ای نگاه‌های ابزاری، تاکتیکی و کوتاه مدت غلبه پیدا کرده و عنصر مؤثری تحت عنوان «اتحاد با غرب» آن را تشدید کرده است، حداقل از دهه پنجاه میلادی به این طرف ترکیه هیچگاه دغدغه تهدید خارجی، نداشته است. به عبارتی سه نسل از زمامداران ترکیه با این خاطر آسوده که هیچگاه مورد حمله خارجی قرار نمی‌گیرند، به این موضوعات بیشتر پرداخته‌اند. همان طور که گفته شد بخشی از آن به فرهنگ

وضوح می‌بینیم آنکارا با داعش علاوه بر همکاری، نزاع نیز دارد. با ایران هم ارتباط دارد و هم تنش، تکلیفش با کردها مشخص نیست، با اسرائیل هم مشکل دارد و هم دست دوستی دراز می‌کند، تحلیل گران نکات مختلفی را لحاظ می‌کنند، مسئله‌ای که وجود دارد این است که طی ۲-۳ سال اخیر به گونه‌ای بی‌اعتنایی از جانب غرب نسبت به ترکیه وجود داشته و این امر واقعی تلخ، برای دولت ترکیه است. در منطقه نیز به نوعی منزوی شده است؛ با اسرائیل که زمانی ارتباطات نزدیکی داشته‌اند، اکنون به مشکل برخورد کرده‌اند. مشکل ترکیه با ایران کاملاً ملموس است. با عربستان نیز رابطه پیچیده است و مسائل و مشکلات زیاد است. مشکلات بین ترکیه و مصر نیز افزایش یافته است. اینها باعث شده است که ترکیه به سمت موضع‌گیری‌های تاکتیکی برود که این موضع‌گیری‌ها نیز ابهام را بیشتر می‌کنند. از سوی دیگر اکنون فرهنگ استراتژیک سنتی ترکیه تحت تأثیر نوع منش و رویکرد حزب عدالت و توسعه و بخصوص شخص داوود اوغلو و اردوغان قرار گرفته است؛ این دو به نوعی رویکردهایی را در ترکیه نشان می‌دهند که به نظر می‌آید با فرهنگ استراتژیک ترک مبنی بر تعادل‌گرایی، محافظه‌کاری، سودگرایی و غیراستراتژیک بودن همخوانی جدی ندارد و چون قبل از روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه در ترکیه، بحث تبدیل شدن به قدرت در خاورمیانه مطرح نبود؛ امروز در این یک دهه مهم‌ترین دغدغه‌اش این است که به نظر من به عنوان یک قدرت منطقه‌ای محورهای خودش را تثبیت کند و کل رویکردها و رفتارهای ترکیه با توجه به تمام تناقضات و مشکلات و چالش‌ها در این جهت است.

در عین حال در داخل ترکیه دو گروه وجود دارند که بحث آنها در آینده ترکیه بسیار جدی هستند: (۱) کردها؛ (۲) علویان؛ که هر دو به آرامی در حال قوت گرفتن هستند. علویانی که در گذشته در سیاست ترکیه هیچ نقشی نداشتند. سیاست داخلی ترکیه در قبال این دو گروه یا اقلیت بزرگی که در ترکیه هستند می‌تواند بر روابط این کشور با قدرت‌های منطقه تأثیرگذار باشد.

ندارد و به هیچ وجه فرقه گرا نیست. بحث شیعه و سنی در سیاست خارجی ترکیه موضوعیت ندارد، به سیاست داخلی آنها نیز بازمی‌گردد؛ آنها مسئله شیعیان و علویان را دارند. اردوغان به خوبی از عناصر شیعه استفاده می‌کند. بر این مسئله بسیار تأکید می‌کند چون می‌خواهد ۲۰-۱۵ میلیون جمعیت علوی را همراه داشته باشد. ترک‌ها فرقه‌گرایی را در درازمدت به نفع خودشان نمی‌بینند. مصادیق این نگرانی در قبال چالش بین ایران و عربستان مطرح شد. رابطه ایران و آمریکا چندان برای ترک‌ها مسئله رقابت‌باری نیست چون هرگونه رابطه ایران و آمریکا تعریف شود ترک‌ها از ایران جلوتر و نزدیکتر به آمریکا هستند. آنها از بهبود رابطه ایران و آمریکا و برجام هسته‌ای استقبال کردند.

○ در خصوص حکومت اقلیم کردستان؛ استراتژیست‌های ترک معتقدند که بالاخره کردستان عراق مستقل خواهد شد و تحلیل‌شان این است که در درازمدت نهایتاً این امر حادث خواهد شد و ما باید به استقبال آن برویم و از اکنون شرایط را به گونه‌ای تمهید کنیم که کمترین مضرات و بیشترین منافع را برای ما داشته باشد. بنابراین با تحلیل کلانی که از منطقه دارند، این فرایند را دنبال می‌کنند و به نظر من این یک چرخش گشتالتی در شناخت منطقه نزد سیاستمداران ترک است و این منحصر به مسائل کردی نمی‌شود. عمق استراتژیکی که داوود اوغلو مطرح کرد اگر چه هنوز عملیاتی کردن آن چندان چارچوب‌بندی نشده است، اما اینجا در حال ظهور است، که ترکیه می‌تواند همچنان قدرت مرکزی باشد که اینها همه اقمار آن می‌شوند و یکی از آنها دولت مستقل کردی است که البته هزینه‌هایی برای ترکیه دارد اما منافع نیز خواهد داشت اگر به گونه‌ای بتوانند آن را مدیریت کنند.

استراتژیک و بخشی دیگر به فرهنگ سیاسی و منطقه بر می‌گردد. چنانچه گفته شد چون ترکیه درگیر جنگی نبوده است، ایده‌های امنیتی آن، قالب‌بندی‌های ما را ندارد. اینها به سختی برای خودشان دشمن تعریف می‌کنند و به نوعی همه دوست هستند و ترکیه معروف به میانجی‌گری است، بین ارمنی‌ها و آذری‌ها، فلسطینی و اسرائیلی‌ها، سوریه‌ها و اسرائیلی‌ها، افغانستان و پاکستان، ایران و آمریکا، ایران و عربستان به «میانجی‌گری» شهره هستند. منطق سودجویی که در ترکیه وجود دارد به شدت به این مسئله دامن می‌زند. به این دلیل تقریباً یک بازه زمانی تاریخی به استمرار وضعیت صلح کمک کرده است تا صلح‌گرایی تقریباً نهادینه شود و من این ابهام استراتژیک را عاملدانه می‌دانم. اینها از جمله ویژگی‌های این کشور است که باعث می‌شود فقدان دشمن جزئی از فرهنگ استراتژیک و عاملدانه باشد چون احساس کردند که مزیت ژئوپلیتیک ترکیه در اتصال غرب و شرق است و از این رو چرا باید یکی را بر دیگری رجحان دهند و باعث محرومیت از بسیاری از فرصت‌ها شوند. به نظرم این موضع بسیار آگاهانه و به نفع ترکیه بوده و هرگاه که از این مسئله عدول شده نه تنها به قدرت منطقه ترکیه کمک نکرده است بلکه به ضررش تمام شده است.

○ در خصوص اینکه نسبت ترکیه با اخوان چه می‌شود؟ باید گفت اساساً ترکیه مستعد پذیرش هیچ‌گونه ایدئولوژی نیست. ممکن است که نخبگان این جامعه به مفاهیم و ایدئولوژی‌های معاصر آگاه باشند اما این جامعه استعداد ایدئولوژی شدن نداشته و اساساً حزب عدالت و توسعه ایدئولوژی خاصی به این معنا ندارد. در ترکیه گرایش‌های تصوف و دراویش فوق‌العاده قوی است که هیچ‌کدام از اینها چنین گرایش‌های ایدئولوژیک را تحمل نمی‌کنند. ترکیه به‌رغم اینکه مدعی تثبیت خود به عنوان قدرت منطقه است ولی به هیچ‌وجه نمی‌خواهد این بلوک‌بندی شیعه-سنی تعریف شود و خودش رهبر جریان سنی شود، چون این جریان خصلت عربی دارد و برای همین تا این حد بر اسلام ترکیه‌ای تأکید می‌شود، چون این الگو اساساً الگوی خاص ترکیه است و خیلی به سنی‌گری ربطی

